



مسأله لحن در ترجمه آثار ادبی کودک و نوجوان (مورد پژوهی: سازده کوچولو با ترجمه‌های محمد قاضی و احمد شاملو)

شجاع نی‌نوا^۱

کارشناس ارشد آموزش زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۴

چکیده

بسیاری بر این باورند که ترجمه آثار ادبی کودک و نوجوان، کاری بس سهل است که تنها با جایگزین کردن کلمات و رعایت نسبی ساختار جمله‌بندی‌ها می‌توان ترجمه‌ای خوب از آثار کودک و نوجوان ارائه کرد. اما این امر درست نیست چرا که ترجمه فرآیندی بسیار پیچیده و متأثر از عوامل بسیاری از قبیل نوع و شیوه بیان متن اصلی، قابلیت مترجم در انتقال مفهوم و از همه مهم‌تر لحن است. از این رو، در پژوهش حاضر سعی شده است تا با مقایسه ترجمه‌های کتاب «سازده کوچولو» با قلم محمد قاضی و احمد شاملو، مسأله لحن در ترجمه آثار کودک و نوجوان بررسی شود. نتایج نشان می‌دهد که مترجمان در انتخاب لحن مناسب برای مخاطب کودک و نوجوان، دچار ضعف بوده‌اند. چرا که در اکثر جمله‌ها قاضی از جملات بسیار رسمی و مناسب رده سنی بزرگسال استفاده کرده است. از طرف دیگر، شاملو از جملات شکسته و زبان محاوره استفاده کرده است که مناسب رده سنی کودک و نوجوان نیست.

کلید واژه‌ها: احمد شاملو، ادبیات کودک و نوجوان، لحن در ترجمه، محمد قاضی.

۱. مقدمه

ترجمه ادبی در میان انواع ترجمه‌ها به دلیل دشواری، یک نوع خاص از ترجمه و یا اصیل‌ترین نوع آن محسوب می‌شود. در ترجمه ادبی، علاوه بر این که متن ترجمه شده باید درک شود، خصوصیات متن اصلی یعنی انتقال سبک و سیاق، لحن و انتقال معنا و واژگان نیز باید حفظ شوند؛ یعنی تا حد امکان به متن اصلی نزدیک باشند و منطبق با دستور زبان مقصد پیش بروند؛ آن گونه که خواننده، کودک یا بزرگسال، در مواجهه با آن به سادگی قادر به تشخیص این مطلب نباشد که با یک متن ترجمه سروکار دارد و یا یک اثر ادبی.

در این میان، کار در حوزه ادبیات کودک و نوجوان مانند بازی در میدان مین است. برخلاف تصور بسیاری ترجمه برای کودکان و نوجوانان نه تنها ساده‌تر نیست بلکه ظرایف و پیچیدگی‌های زیادی دارد و آشنایی مترجم با گفتمان آفریننده اثر و همچنین تحولات ذهنی و زبانی مخاطبش را می‌طلبد.

بنابراین، در این مقاله سعی بر آن است که ترجمه‌های فارسی صورت گرفته توسط محمد قاضی و احمد شاملو از کتاب «شازده کوچولو»، از منظر مفهوم «لحن» در ترجمه، مقایسه و مورد بررسی قرار داده شوند. لازم به ذکر است که با وجود جستجوهای فراوان، منبع و مقاله‌ای در ارتباط با راهکارهای ترجمه لحن یافت نشد؛ که این مسأله محدودیت پژوهش حاضر را علاوه بر محدودیت‌های دیگر همچون سایر پژوهش‌ها در بر می‌گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

با نگاه به ادبیات کودکان امروز، کسی انتظار نخواهد داشت که حتی پانصدسال پیش ادبیات کودکان واقعاً وجود داشته است. در حقیقت، این گونه گمان می‌رود که کل ادبیات، هم ادبیات بزرگسالان و هم ادبیات کودکان، با داستان‌هایی شروع شده است که توسط بزرگ‌ترها به صورت شفاهی در تمدن‌های گوناگون نقل می‌شده است (راسل، ۱۹۹۷: ۳).

ادبیات کودکان در اوایل شامل داستان‌های گفتاری، آوازاها و اشعار بود که برای تعلیم، آموزش و سرگرم کردن کودکان استفاده می‌شده است و تنها در قرن ۱۸م بود که با گسترش مفهوم «دوران کودکی»، یک ژانر جداگانه از ادبیات کودک با دسته‌بندی‌ها، انتظارات و قواعد کلی خود پدیدار گشت.

فیلیپ آریس، مورخ فرانسوی، در سال ۱۹۶۲ در کتاب خود «قرن‌های کودکی: یک تاریخ اجتماعی از زندگی خانوادگی» این گونه استدلال می‌کند که مفهوم مدرن «دوران کودکی» تنها در زمان‌های اخیر پدید آمده است، و این که برای بخش بزرگی از تاریخ، کودکان تا حد زیادی متفاوت از بزرگسالان دیده نمی‌شدند، و به‌طور قابل توجهی با آن‌ها متفاوت رفتار نمی‌شد. به‌عنوان شاهدی بر این موقعیت، او اشاره می‌کند که جدا از متون آموزشی و تعلیمی نوشته شده توسط روحانیون برای کودکان، هر گونه ادبیات موثقی که مخصوص کودکان باشد تا قبل از قرن ۱۸ وجود نداشت» (اریس، ۱۹۶۲).

اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به‌عنوان «عصر طلایی ادبیات کودکان» شناخته می‌شود. آن گونه که این دوره شامل انتشار زیادی از کتاب‌هایی است که امروزه به‌عنوان ادبیات کلاسیک مورد تأیید هستند.

هیچ تعریف آشنای واحد و یا گسترده‌ای در مورد ادبیات کودکان وجود ندارد. ادبیات کودکان می‌تواند به‌طور گسترده به‌عنوان هر چیزی تعریف شود که کودکان می‌خوانند یا به‌طور خاص تر به‌عنوان داستان، غیر داستان، شعر، یا نمایش‌نامه تعریف شود که برای کودکان و افراد جوان در نظر گرفته شده است. نانسی اندرسون (۲۰۰۶)، از کالج آموزشی در دانشگاه فلوریدای جنوبی، ادبیات کودکان را این گونه تعریف می‌کند: «تمام کتاب‌های نوشته شده برای

کودکان، به استثنای آثاری از قبیل کتاب‌های کمیک، کتاب‌های لطیفه، کتاب‌های کاریکاتور و داستان‌های مصور و آثار غیرداستانی که قرار نیست از ابتدا تا انتها خوانده شوند، مانند فرهنگ لغات، دایره‌المعارف‌ها و سایر مواد آموزشی مرجع». ترجمه متن‌های ادبی در ایران، پیشینه‌ای کهن دارد و ایرانیان از نخستین مردمانی بوده‌اند که ترجمه از دیگر زبان‌ها را آموخته‌اند. تبارهایی که در فلات ایران می‌زیستند به زبان و گویش‌های گوناگون سخن می‌گفتند. از این‌رو، گروهی از آنان همواره دیگر زبان‌ها را می‌آموختند و به کار ترجمه می‌پرداختند. این پدیده سبب شد که ترجمه به‌عنوان پیشه‌ای پراهمیت شکل بگیرد و همواره گروهی از مردم از این راه به پراکندن فرهنگ و دانش نو پردازند (محمدی و قاینی، ۱۳۸۲، ص ۵۲۰). ترجمه کتاب کودکان نیز در ایران به‌طور شاخص از سال‌های بعد از ۱۳۰۰ ه.ش. قابل پیگیری است (حجازی، ۱۳۸۱: ۱۸۴). از این سال به بعد آثار خواندنی کودک و نوجوان افزایش یافت و نهضت ترجمه تا به امروز ادامه دارد. همچنین با تأسیس خانه ترجمه، توسط مرحوم نادر ابراهیمی، نهضت نوینی در ترجمه آغاز شد که این اتفاق نقطه عطفی در ترجمه آثار کودک و نوجوان بود.

مسئله مهمی که در روند تحول ادبیات کودکان نقش بسزایی دارد، پدیده ترجمه آثار خارجی برای غنی‌تر کردن کتاب‌های مربوط به کودکان است. کتاب‌های ترجمه‌شده باعث می‌شوند کنجکاوی‌های کودکان در زمینه‌های مختلف ارضا شده، به پرسش‌های آن‌ها پاسخ‌های مناسب‌تری داده شود و با فرهنگ‌های سرزمین‌های مختلف آشنا شوند. ترجمه آثار کودک و نوجوان در ۱۵ سال اخیر رشد کمی و کیفی خوبی داشته است. در این سال‌ها تعداد عناوین ترجمه هم افزایش یافته است. اما متأسفانه این تحول به دلیل فقدان مجلات تخصصی ترجمه هنوز به ثمر نرسیده است. مجلاتی که به شکل تخصصی به نقد ترجمه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان پردازند. از میان مقالاتی که در حوزه ترجمه آثار کودک و نوجوان به شکل قابل‌قبولی کار کرده‌اند می‌توان به قرشی و امین‌زاده (۱۳۹۱) با موضوع «مفهوم خوانایی در ترجمه ادبیات کودکان و نوجوانان و شیوه ارزیابی آن» اشاره کرد. در این مقاله درباره پدیده خوانایی متن و نحوه ارزیابی و ترجمه آن در ادبیات کودکان بحث می‌شود.

از میان مقالاتی هم که به ترجمه کتاب «شازده کوچولو» پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اقبال‌زاده (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «مترجمان شازده کوچولو زیر ذربین نقد» به نقد و بررسی ترجمه‌های صورت گرفته از «شازده کوچولو» پرداخته است. صادقیان (۱۳۸۹) در مقاله خود، «ترجمه مجلد، بررسی تطبیقی پنج ترجمه از شازده کوچولو به زبان فارسی»، پنج ترجمه مختلف از کتاب «شازده کوچولو» را مقایسه و بررسی کرده است. گشمردی و رضانواز (۱۳۹۲) در مقاله «نقد بافتاری ترجمه‌های کتاب شازده کوچولو با تکیه بر زبان‌شناسی متن» با نقد و بررسی بخش‌هایی از ترجمه‌های فارسی کتاب «شازده کوچولو» در پی پاسخ‌دادن به این پرسش بوده‌اند که تا چه اندازه بافتار متن اصلی، در ترجمه مورد توجه قرار گرفته است. لطافتی و علی‌پور (۱۳۹۳) نیز در مقاله «بررسی ترجمه صوت‌واژه‌ها در اثر شازده کوچولو» به واکاوی صوت‌واژه‌ها در ترجمه‌های شاملو، قاضی و نجفی پرداخته‌اند.

و اما از میان معدود مقالاتی نیز که به شکل تخصصی به بررسی ترجمه لحن-موضوعی که کم‌تر کسی از بین مترجمان می‌تواند از عهده آن برآید- به‌ویژه در آثار کودک و نوجوان، پرداخته است می‌توان به امام (۱۳۹۳) با موضوع «ترجمه کودکانه‌ها به فارسی: چالش لحن» اشاره کرد. امام در این مقاله سعی کرده است تا با ارائه نمونه‌هایی از ترجمه‌های فارسی مثنوی و منظوم چاپ شده، نارسایی‌ها و کاستی‌های لحن-محور آن‌ها را ریشه‌یابی و بیان کند تا با این کار به ضرورت دقت بیش‌تر مترجمان در ترجمه کودکانه‌ها تأکید گردد.

۳. مواد تحقیق

متن مبدأ در پژوهش حاضر، داستان «شازده کوچولو»، مشهورترین کتاب در حوزه ادبیات کودک و نوجوان در سراسر جهان می‌باشد. «شازده کوچولو»^۲ در سال ۱۹۴۰ در نیویورک به قلم آنتوان دو سنت اگزوپری^۳، نویسنده معروف و معاصر فرانسوی (۱۹۰۰-۱۹۴۴) نوشته شد و برای اولین بار در سال ۱۹۴۳ به زبان فرانسه منتشر گردید. این کتاب پرفروش‌ترین کتاب تک‌مجلد جهان در تمام طول تاریخ می‌باشد. کتاب «شازده کوچولو» بعد از کتاب مقدس، البته تا زمانی که کتاب هری پاتر اثر جی. کی. رولینگ نوشته نشده بود، «خوانده‌شده‌ترین» و «ترجمه‌شده‌ترین» کتاب در جهان بوده است. طبق یک نظرسنجی که در سال ۱۹۹۹ در فرانسه به عمل آمد و در روزنامه «پاریزین» به چاپ رسید، این کتاب محبوب‌ترین کتاب مردم در قرن بیستم بوده و از این رو «کتاب قرن» نام گرفته است. «شازده کوچولو» در سال ۲۰۰۷ نیز به‌عنوان کتاب سال فرانسه برگزیده شد. این اثر تا کنون به ۱۶۰ زبان مختلف دنیا و بیش از ۲۰ بار به زبان فارسی ترجمه و بیش از ۵۰۰ بار تجدید چاپ شده است. نقاشی‌های کتاب هم اثر خود آنتوان دو سنت اگزوپری است. کتاب «شازده کوچولو» را می‌توان در ژانر ادبیات کودک و نوجوان جا داد و آن را یک اثر سمبولیستی دانست. حتی با رویکردی جسورانه‌تر می‌توان این رمان را متعلق به ژانر ادبیات مهاجرت عنوان کرد. این اثر دو شخصیت اصلی دارد، یکی خلبان و دیگری شازده کوچولو که هر دو مهاجر هستند. البته مهاجر نه به معنی مصطلح آن بلکه به این معنی که از سرزمین اصلی خود جدا شده و دور افتاده‌اند (نجومیان، ۱۳۹۲).

متون مقصد موردبررسی در این پژوهش، ترجمه‌های فارسی از داستان «شازده کوچولو» هستند. تا کنون این داستان از سوی بیش از سی مترجم ایرانی از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۹۴ به فارسی ترجمه شده است. در این میان شاخص‌ترین ترجمه‌ها مربوط به ترجمه‌های محمد قاضی، احمد شاملو و ابوالحسن نجفی است. جدول زیر نگاهی اجمالی از عنوان ترجمه، اسم مترجم، سال انتشار و ناشر را برای هر کدام از ترجمه‌های منتشرشده از «شازده کوچولو» هم ترجمه‌های موجود و هم غیرقابل دسترس در داخل و خارج از ایران، ارائه می‌دهد.

2. The Little Prince (1940).

3. Antoine de Saint-Exupéry (29 June 1900 – 31 July 1944).

جدول ۱.۱. عنوان ترجمه، اسم مترجم، سال انتشار و ناشر هر کدام از ترجمه‌های منتشر شده از «شازده کوچولو» اثر

آنتوان دو سنت اگزوپری

عنوان	مترجم (ین)	سال انتشار	ناشر
۱ شازده کوچولو	محمد قاضی	۱۳۳۳	کتابخانه ایران
۲ شازده کوچولو	ک. آواکیان	۱۳۴۰	آلیک
۳ شازده کوچولو	فریدون کار	۱۳۴۲	ابن سینا
۴ مسافر کوچولو	احمد شاملو	۱۳۵۸	کتاب جمعه
۵ شازده چکوله به زبان کُردی	مصطفی ایلخانی زاده	۱۳۶۹	بی نا
۶ شاهزاده کوچولو	محمدتقی بهرامی حران	۱۳۷۲	جام
۷ شاهزاده کوچولو	شاهین فولادی	۱۳۷۶	درنا
۸ مسافر کوچولو	فائزه سرمدی	۱۳۷۸	شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران
۹ شازده کوچولو	ابوالحسن نجفی	۱۳۷۹	نیلوفر
۱۰ شازده کوچولو	اصغر رستگار	۱۳۷۹	نقش خورشید
۱۱ شازده کوچولو	مصطفی رحماندوست	۱۳۸۰	قدیانی
۱۲ شازده کوچولو و سیاره‌اش: الهامی از اثر "آنتون دوست اگزوپری"	حسین فتاحی	۱۳۸۱	قدیانی
۱۳ شازده چکوله به زبان کُردی	آرش امجدی	۱۳۸۴	دید
۱۴ شازده کوچولو	بابک اندیشه	۱۳۸۴	هنر پارینه
۱۵ شازده کوچولو	حمیدرضا بلوچ	۱۳۸۶	مجید

هرمس	۱۳۸۶	عباس پژمان	شازده کوچولو	۱۶
دادجو	۱۳۸۷	رامسس بصیر	شازده کوچولو	۱۷
واشقان	۱۳۸۷	سمانه رضائیان	شازده کوچولو	۱۸
بهجت	۱۳۸۸	دل آرا قهرمان	شازده کوچولو	۱۹
بهرامیان	۱۳۸۹	جمشید بهرامیان	شازده کوچولو	۲۰
ارس	۱۳۸۹	فریده مهدوی دامغانی	شازده کوچولو	۲۱
بهزاد	۱۳۸۹	هانیه فهیمی	شازده کوچولو	۲۲
دنیای نو	۱۳۹۰	محمد مجلسی	شازده کوچولو	۲۳
سلسله مهر	۱۳۹۱	هانیه حق نبی مطلق	شازده کوچولو	۲۴
روشا	۱۳۹۲	شهناز مجیدی	شازده کوچولو	۲۵
ثالث	۱۳۹۲	شورا پیرزاد	شازده کوچولو	۲۶
کتاب کوله پستی	۱۳۹۲	مریم صبوری	شازده کوچولو	۲۷
به سخن	۱۳۹۳	پرویز شهدی	شازده کوچولو	۲۸
نخستین	۱۳۹۳	رضا طاهری	شازده کوچولو	۲۹
آموت	۱۳۹۳	زهرا تیرانی	شازده کوچولو	۳۰
میلکان	۱۳۹۴	ایرج انور	شازده کوچولو	۳۱
نوید ظهور	۱۳۹۴	زهرة مستی	شازده کوچولو	۳۲
بی‌نا	۱۳۹۴	مهدی جعفرزاده	شاهزاده‌ی قیچک Şahzadeyê Qiçik به زبان گُردی گُرمانجی	۳۳

در ایران اولین کسی که «شازده کوچولو» را به فارسی ترجمه کرد محمد قاضی بود. نخستین چاپ ترجمه قاضی به سال ۱۳۳۳ از سوی «کتابخانه ایران» منتشر شد. سال ۱۳۴۱، ترجمه قاضی در «کتاب هفته» چاپ شد و با چاپ در «کتاب هفته» به چاپ هفتم رسید. اما قاضی در چاپ هشتم این کتاب تجدید نظر کرد و سال ۱۳۵۶ نسخه ویرایش شده این کتاب را روانه بازار کتاب کرد. این ترجمه بیش از ۵۰ بار تجدید چاپ شده و هنوز هم خواننده دارد. بعد از قاضی، شاملو برای نخستین بار به سال ۱۳۵۸ در «کتاب جمعه» با عنوان «مسافر کوچولو» آن را ترجمه کرد. شاملو

در مقدمه چاپ اول نشر ابتکار می‌نویسد؛ نام اصلی این کتاب «پرنس کوچولو» است که معادل «پرنس»، «شاهزاده» نیست. با گذشت بسیار می‌توان آن را "امیر" ترجمه کرد و در گیرودار سفر عنوان کتاب را «مسافر کوچولو» نامید. در ویراست دوم شاملو عنوان «شهریار کوچولو» را برای این کتاب انتخاب می‌کند که این نسخه، سال ۱۳۷۶ منتشر شده است. در ویراست سوم که پس از مرگ شاملو، سال ۱۳۸۱ منتشر می‌شود او نام «شازده کوچولو» را برای این کتاب انتخاب می‌کند. بعد از درگذشت شاملو، ویراست سوم این کتاب منتشر می‌شود و این تغییر نام بی‌شک توسط ناشر صورت گرفته است. این ترجمه هم بارها تجدید چاپ شد. شاملو همچنین در سال ۱۳۵۹ نوار صوتی داستان «مسافر کوچولو» را با صدای خودش و با موسیقی «گوستاو مالر» همراه با کتاب در نشر ابتکار منتشر کرد.

بنابراین، با توجه به هدف پژوهش و با وجود این که ترجمه‌های فراوان از این داستان وجود داشتند، محقق تنها ترجمه‌های محمد قاضی و احمد شاملو که از متن فرانسه انجام شده است را بررسی می‌کند. دلیل این انتخاب این است که در ایران این دو ترجمه خوانندگان بیش‌تری داشته‌اند و دارند و از محبوبیت بیش‌تری نسبت به سایر ترجمه‌ها برخوردارند.

۴. چارچوب نظری تحقیق

در این بخش، در ابتدا، منظور خود را از واژه لحن مشخص می‌کنیم. لحن^۴ در گفتار و در نوشتار، نوعی ویژگی کلامی گوینده/نویسنده را شامل می‌شود که بر اساس گزینش واژگان، ترکیبات و دیگر ساختارهای دستوری یا خطایی موجب می‌شوند تا کلام پدیدآورنده اثر، رسمی یا غیررسمی، ادیبانه یا علمی، طنزآمیز یا جدی، صریح یا غیرمستقیم، خودخواهانه یا متواضعانه، توهین‌آمیز یا محترمانه، ساده یا پُر تکلف تلقی گردد (آبرامز، ۱۹۷۰؛ کادن، ۱۹۷۹). لحنِ کودکانه نیز در همین دسته‌بندی‌ها قرار می‌گیرد و ویژگی‌های عمده لحنِ کودکانه شامل سادگی مضامین؛ سادگی واژه‌ها؛ سادگی ترکیبات و ساختارهای دستوری؛ گفتار گونگی؛ گرایش به الگوهای کلامی تکراری؛ توجه به بازی‌های کلامی و در نهایت غلبه شکل بر محتوا در ارتباطات زبانی می‌شود (امام، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

با توجه به ویژگی‌های لحنِ کودکانه، انتظار می‌رود که مترجم نیز با رعایت همین ویژگی‌ها به‌ویژه در ارتباط با ادبیات داستانی کودکان و ترجمه گفت‌وگوها، به‌گونه‌ای عمل کند که کم‌تر نشانی از ترجمه‌زدگی در آن پدیدار شود، زیرا اگر کودک لحن شخصیت‌های داستان، گزینش واژگان، ترکیبات و غیره را کودکانه نداند، با متن ترجمه ارتباط برقرار نخواهد کرد (امام، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۱). از این‌رو برای درک کامل اثری تشخیص لحن و مسائل پیرامون آن ضروری است.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین عناصر ترجمه، به‌ویژه در متون ادبی، رعایت کردن لحنِ نویسنده و دقت در انتقال درست آن به ترجمه می‌باشد. پیدا کردن لحن مناسب از وظایف بی‌چون‌وچرای مترجم است و به کمک همین برداشت‌های ذهنی از متن اصلی است که صورت می‌گیرد. وگرنه این قسمت از کار را نادیده گرفتن و به جانشینی واژه‌های معادل بسنده کردن کاری است که از عهده ماشین هم برمی‌آید (امامی، ۱۳۸۵: ۳۲).

در ترجمه داستان، مترجم باید مراقب لحن داستانی متن باشد و در انتخاب واژه‌ها ضروری است از گروه سنی‌ای که مخاطب داستان‌اند باخبر باشد. در این کار، برای مثال، اگر با گروه کودک و نوجوان روبرو هستیم، آشنایی با دنیای زبانی آنان شرط لازم یک ترجمه موفق است. در آوردن لحن در ترجمه، در واقع آن ترفند و هنری است که یک مترجم حرفه‌ای را از یک تازه‌کار مشخص می‌کند. مترجم کارشناس (به معنی واقعی کلمه) و با دانش، بین لحن متونی که ترجمه می‌کند تفاوت قائل می‌شود. چرا که لحن نویسنده همواره باید در ترجمه شاخص باشد.

گلی امامی (۱۳۹۱)، مترجم آثار کودک و نوجوان، لحن در ترجمه را این‌گونه تعریف می‌کند: «لحن ویژگی صدای کلی نویسنده و راوی داستان است. وقتی متن را به زبان اصلی می‌خوانیم از ویژگی‌های آوایی صدای راوی می‌توانیم تشخیص بدهیم کسی که ما را مخاطب قرار داده چه جور آدمی است؟ زن است یا مرد؟ پیر است یا جوان؟ روستایی است یا شهری؟ تحصیل کرده است یا عامی؟ لازم نیست نویسنده صراحتاً این‌ها را به ما بگوید؛ لحنی که برای راوی یا شخصیت‌های اصلی کتاب انتخاب کرده در بسیاری از مواقع خود به خود بیان‌گر این نکات است».

محمد قاضی نیز در گفت‌وگویی که ناصر حریری در سال ۱۳۳۶ با او انجام داده، عنوان می‌کند که مترجم موفق کسی است که در ترجمه‌اش بتواند سبک نگارش، زبان و ویژگی‌های روحی، فکری و اخلاقی و ذوقی مربوط به هر نویسنده را حفظ کند و لحن ترجمه‌اش در ترجمه اثری نسبت به اثری دیگر فرق داشته باشد.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین نکاتی که هنگام ترجمه باید مدنظر داشت تشخیص شیوه بیان متن مبدأ و رعایت آن در ترجمه است. به‌طور کلی، شیوه بیان در یک داستان، با شیوه بیان در یک مقاله علمی، و شیوه بیان در داستان کودکان با شیوه بیان در نوشته حقوقی متفاوت است؛ زبانی که برای توصیف علمی پدیده یا رویدادی به کار می‌رود، حتماً با توصیف ادبی همان رویداد تفاوت دارد. این تفاوت نه تنها با اصطلاحات مربوط به هر یک، بلکه با ساختار دستوری جمله‌های متن مربوط به هر کدام نیز مرتبط است (فرح‌زاد، ۱۳۷۲). از این‌رو، مترجم در هر شرایطی باید با توجه به ساختار داستان، لحن مناسب و ویژگی‌های گفتاری مناسبی را برای راوی و هر شخصیت استفاده کرده و جای‌گاه اجتماعی شخصیت‌ها را نشان دهد.

۵. روش تحقیق

با توجه به توضیحات قبلی، نمونه‌هایی از ترجمه‌های محمد قاضی و احمد شاملو به صورت تصادفی از کل کتاب انتخاب می‌شود تا با مقایسه آن‌ها، نحوه ترجمه لحن را بررسی کنیم و دریابیم که تعاریف ما از لحن و ویژگی‌های آن تا چه حد در ترجمه بازتاب داشته‌اند. هدف از این کار این است که مترجمان و پژوهش‌گران حوزه ترجمه و به‌خصوص ادبیات کودک و نوجوان، با هوشیاری هر چه بیش‌تر به مفهوم مهم و چالش‌برانگیز «لحن» در ترجمه بپردازند.

۶. بحث و بررسی

در این بخش، با ذکر مثال‌های مختلف، به بررسی کارکرد لحن در ترجمه‌های محمد قاضی و احمد شاملو می‌پردازیم.
-S'il vous plaît...dessine-moi un mouton! (Petit Prince, p. 12)

- بی زحمت ... یک گوسفند برای من بکش! (قاضی، ۱۳۹۳: ۱۷)

- بی زحمت یک بره برام بکش! (شاملو، ۱۳۹۳: ۱۰)

همان گونه که از متن اصلی مشخص است، جمله کاملاً ساختاری مؤدبانه و ساده دارد. نه خودمانی است و نه زبانی کاملاً رسمی. در ترجمه قاضی نسبت به ترجمه شاملو، واژه و معادل مناسب تری به کار گرفته شده است. به عنوان مثال، به جای واژه فرانسوی "mouton" قاضی از کلمه «گوسفند» در ترجمه خود استفاده کرده است که ترجمه درست تری نسبت به ترجمه شاملو یعنی "بره" می باشد. اما هر دو مترجم با اضافه کردن «بی زحمت» در اول جمله که لفظی است عامیانه، لحن ترجمه را تا حد زیادی خودمانی و دست خوش تغییر قرار داده اند. بنابراین، وفاداری به لحن تاحد زیادی پایین آمده است. از سوی دیگر، شاملو با استفاده از واژه «برام» به جای «برای من» جمله را هرچه بیش تر از حالت مؤدبانه به عامیانه تغییر داده است تا همان طور که خود نویسنده و مترجم نیز در آغاز کتاب اشاره می کنند، ترجمه را به سمت زبان کودکانه پیش ببرد.

اما به چند مثال دیگر از ترجمه قاضی و شاملو پردازیم:

- Non ! Celui-là est déjà très malade. Fais-en un autre. P.10

- نه! این خیلی بیحال است. یکی دیگر بکش. (قاضی، ۱۳۹۳: ۱۸)

- نه! این که همین حالاش هم حسابی مریض است. یکی دیگر بکش. (شاملو، ۱۳۹۳: ۱۲)

شاملو با اضافه کردن کلمه «حالاش» و کلمه «حسابی» این جمله را به حالتی عامیانه و گفتاری تبدیل کرده است و قاضی نیز واژه «بیحال» را به عنوان معادل واژه فرانسوی "malade" به کار برده که تا حدودی لحن جمله را گفتاری کرده است.

- Pas si petit que ça... Tiens ! Il s'est endormi... P. 11

- آنقدرها هم کوچک نیست... عجب! خوابش برده است... (قاضی، ۱۳۹۳: ۱۹)

- آن قدرها هم کوچولو نیست... اه! گرفته خوابیده (شاملو، ۱۳۹۳: ۱۴)

شاملو با به کار بردن معادل های «کوچولو»، «اه» و «گرفته خوابیده» ترجمه را به حالت عامیانه و گفتاری تبدیل کرده است اما قاضی با به کار بردن واژه «کوچک» برای کلمه فرانسوی "petit" معادل مناسب تری را انتخاب کرده است.

« Comment peut-il me reconnaître puisqu'il ne m'a encore jamais vu ! » p. 42

- از کجا مرا می شناسد؟ او که هیچوقت مرا ندیده است. (قاضی، ۱۳۹۳: ۴۸)

- او که تا حالا هیچ وقت مرا ندیده چه جوری می تواند بشناسد؟ (شاملو، ۱۳۹۳: ۳۹)

قاضی از کلمه «مرا» و شاملو نیز از کلمه کم کاربرد «بشناسد» و نیز «مرا» در ترجمه استفاده کرده اند که فهم آن برای کودکان و گاهی نیز برای نوجوانان دشوار است. همچنین کلمه «چه جوری» و «از کجا» تا حدودی جمله را به حالت عامیانه تبدیل کرده است.

- Mais tu es seul sur ta planète ! p. 49

- ولی تو که در این سیاره تنها هستی! (قاضی، ۱۳۹۳: ۵۷)

- آخر روی این اخترک که فقط خودتی و کلاهی. (شاملو، ۱۳۹۳: ۴۶)

قاضی در اینجا از کلمه «سیاره» برای واژه فرانسوی "planete" استفاده کرده که نسبت به کلمه کم کاربرد «اخترک» معادل مناسب‌تری می‌باشد و فهم آن راحت‌تر است. همچنین شاملو با به کار بردن جمله «فقط خودتی و کلاحت» جمله را از حالت رسمی به حالتی گفتاری و عامیانه تبدیل کرده است.

Celui-là est le seul dont j'eusse pu faire mon ami. P. 60

- این مرد تنها کسی است که من می‌توانستم به دوستی خود برگزینم... (قاضی، ۱۳۹۳: ۶۸)

- این تنها کسی بود که من می‌توانستم باش دوست بشوم. (شاملو، ۱۳۹۳: ۵۷)

استفاده از کلمه «باش» ترجمه شاملو را به حالت گفتاری تبدیل کرده و استفاده از جمله «به دوستی خود برگزینم» در ترجمه قاضی، آن را به داستان‌های قدیمی‌تر نزدیک کرده است.

- Je connais quelqu'un, ..., qui serait mauvais explorateur. P. 63

- من کسی را می‌شناسم که کاشف بدی می‌شد. (قاضی، ۱۳۹۳: ۷۱)

- پس من یک بابایی را می‌شناسم که کاشف هجوی از آب درمی‌آید. (شاملو، ۱۳۹۳: ۵۹)

استفاده از جمله «من یک بابایی را می‌شناسم» و «از آب درمی‌آید» ترجمه شاملو را عامیانه کرده و در عین حال استفاده از واژه «هجوی» فهم جمله را برای مخاطب کودکان و نوجوان دشوار کرده است. قاضی معادل‌های مناسب‌تری را انتخاب کرده است.

- Je suis responsable de ma rose... p. 83

- من مسئول گل خود هستم.... (قاضی، ۱۳۹۳: ۹۱)

- من مسئول گلمم. (شاملو، ۱۳۹۳: ۸۰)

شاملو با به کار بردن «من مسئول گلمم» کاملاً جمله را گفتاری کرده و قاضی در این جا معادل مناسب‌تری را به کار برده است.

- Parce qu'on va mourir de soif... p. 87

- برای اینکه داریم از تشنگی می‌میریم... (قاضی، ۱۳۹۳: ۹۴)

- واسه این که تشنگی کارمان را می‌سازد. واسه این! (شاملو، ۱۳۹۳: ۸۳)

کلمه «واسه» در ترجمه شاملو، آن را به حالتی گفتاری تبدیل کرده و همچنین فهم جمله «تشنگی کارمان را می‌سازد» تا حدودی برای مخاطب کودکان و نوجوان دشوار است. قاضی معادل‌های مناسب‌تری انتخاب کرده است.

- ..., mais ce n'est pas ici l'endroit... P. 95

- ولی جایش درست اینجا نیست... (قاضی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

- ... گیرم محلش این جا نیست... (شاملو، ۱۳۹۳: ۹۰)

استفاده از کلمه «گیرم» و «محلش» به جای «محل آن» در ترجمه شاملو و نیز کلمه «جایش» به جای «جای آن» در ترجمه قاضی، ترجمه آن‌ها را گفتاری کرده است.

کتاب «شازده کوچولو» در بسیاری از فرازهایش دارای نثر رسمی و غیرعامی است که رنگ شاعرانه دارد. چنان که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، راز بزرگ ترجمه‌های محمد قاضی در این است که می‌کوشد مخاطب را به بطن اثر بکشاند. «درستی» و «معنا بنیاد بودن»، دو ویژگی اصلی ترجمه قاضی است. «درستی» به صحیح بودن درک مترجم از متن اصلی و بیان صحیح آن در متن فارسی اشاره دارد و «معنا بنیاد بودن» یعنی مترجم، با حفظ ساختار اصلی متن مبدأ، ساختار زبان را برای زیباتر و شیواتر رساندن معنا تغییر می‌دهد.

ترجمه قاضی ترجمه‌ای است روان، رسا و شیوا. خواننده با متن مشکلی ندارد. لحن ترجمه هم لحن زبان معیار است با گوشه‌چشمی به سبک داستان‌های قدیمی. در متن ترجمه، قاضی از کلمات قدیمی تری استفاده کرده است تا آن را بیش تر به داستانی کلاسیک شبیه سازد. و البته می‌توان گفت که وی تقریباً همه متن را به صورت رسمی ترجمه کرده است. در متن اصلی، گوینده، «شازده کوچولو»، کودکی است که با زبان فاخر سخن می‌گوید و قاضی این ادبیات طنزآمیز «کودکانه - بزرگانه» را چنان که در بالا اشاره شد، کاملاً به فارسی انتقال داده است.

اما احمد شاملو در ترجمه‌اش کم تر به زبان متن و سبک اثر توجه کرده و از لحنی صمیمی، گرم و خودمانی و از جملات عامیانه برای ترجمه‌اش بهره برده است؛ به طوری که لحن نویسنده دست‌خوش تغییراتی اساسی شده است. یکی از ویژگی‌های ترجمه شاملو تکیه بر زبان گفتار است. شاملو از زبان محاوره و شاعرانه بهره برده تا از یک سو فاصله زبان گفتاری و نوشتاری را به کم‌ترین میزان برساند، آن هم در روزگاری که همه در فرستادن پیامک و نامه الکترونیک از این زبان که ساده‌تر و صمیمی‌تر است استفاده می‌کنند، و از سوی دیگر، به دنیای کودکان و نوجوانان نزدیک‌تر شود. ترجمه شاملو به اشعار خود وی نزدیک‌تر و از حالت شکسته‌نویسی خاصی پیروی کرده است؛ که فهم آن برای کودکان و بعضاً نیز برای نوجوانان دشوار است.

یکی از مسائلی که مانع ارتباط برقرار کردن مخاطب کودک و نوجوان با کتاب می‌شود، انتخاب نادرست زبان از سوی نویسنده یا مترجم است که باعث می‌شود مخاطب به‌ویژه در گروه سنی کودک و نوجوان، با خواندن تنها یک صفحه از کتاب، آن را کنار بگذارد. این موضوع به‌ویژه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان مهم‌تر است. چون این گروه سنی به دلیل کم‌حوصلگی و در اختیار داشتن سایر رسانه‌ها، به راحتی از خواندن کتاب صرف نظر می‌کنند.

در آثار کودک و نوجوان و به خصوص آثار کودکان استفاده از زبان محاوره و شکسته کمی مشکل است. چون کودک در حال زبان‌آموزی است و تجربه خوانش ندارد. فارسی سالم و مدرسه‌ای (کتابی) برای کودکان و بزرگسالان سراسر ایران - و کم و بیش همه نسل‌ها - قابل درک است؛ حال آن که شکستن، محاوره‌ای و عامیانه کردن همین فارسی، به معنی دقیق کلمه، به لهجه شکسته، کم‌بُرد و کم‌اثرِ تهرانی نوشتن است، و فقط معدودی از تهرانی‌ها می‌توانند آن را بخوانند و بفهمند - آن هم به دشواری، و با مکرر خوانی (ابراهیمی، ۱۳۶۴، ص ۷۷).

۷. نتیجه‌گیری

از برآیند آنچه که گفته شد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مترجمان در انتخاب لحن مناسب برای مخاطب کودک و نوجوان، دچار ضعف بوده‌اند. چرا که در اکثر جمله‌ها قاضی از جملات بسیار رسمی و مناسب رده سنی

بزرگسال استفاده کرده است. از طرف دیگر، شاملو از جملات شکسته و زبان محاوره استفاده کرده است که مناسب رده سنی کودک و نوجوان نیست. در صورتی که کتاب «شازده کوچولو» در حقیقت کتابی است همراه با فضاها، ساختارها و ویژگی‌های کودکانه‌ای که برای مخاطب کودک و همچنین نوجوان می‌تواند بسیار جذاب باشد و اگر مترجم نتواند لحن مناسب را برای ترجمه خود برگزیند در حقیقت موجب دل‌سردی مخاطب، به‌ویژه مخاطب کودک خواهد شد. بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نه شاملو و نه قاضی نتوانسته‌اند لحن شخصیت‌ها را آن‌گونه که باید دریاورند. با این همه، برخی مخاطبان، ترجمه شاعرانه و محاوره را می‌پسندند و به‌سراغ شاملو می‌روند، کسی که به ترجمه دقیق «شازده کوچولو» پرداخته و از نظر زبانی چندان به اصل وفادار نبوده است. و برخی دیگر به‌سراغ ترجمه قاضی می‌روند که زبانی بزرگسالانه دارد.

به‌طور کلی، با توجه به توضیحات پیشین و بررسی ترجمه‌های قاضی و شاملو شاید بتوان اذعان داشت که ترجمه قاضی بهترین ترجمه در میان دیگر ترجمه‌هاست.

کتابنامه فارسی

- اقبال زاده (راز‌آور)، شهرام. (۱۳۸۵). «مترجمان شازده کوچولو زیر ذربین نقد». کتاب ماه کودک و نوجوان، خرداد، تیر و مرداد، صص ۵۶-۷۱.
- امام، عباس. (۱۳۹۳). «ترجمه‌ی کودکانه‌ها به فارسی: چالش لحن». فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی-پژوهشی، شماره اول، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- امامی، کریم. (۱۳۸۵) از پست و بلند ترجمه. ج ۱، تهران: انتشارات نیلوفر.
- امامی، گللی. (۱۳۹۱). «کاری را ترجمه می‌کنم که دوست بدارم». مجله آزما، اسفند و فروردین ماه ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲، صص ۱۴-۱۹.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۹) ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- حریری، ناصر. (۱۳۳۶) درباره هنر و ادبیات (درباره ترجمه): مصاحبه با محمد قاضی. بابل: کتابسرای بابل.
- شاملو، احمد. (۱۳۹۳) شازده کوچولو. تهران: نشر نگاه.
- صادقیان، سمیرا. (۱۳۸۹). «ترجمه مجلد بررسی تطبیقی پنج ترجمه از شازده کوچولو به زبان فارسی». کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۱ (پیاپی ۱۵۵)، صص ۷۸-۸۲.
- فرح زاد، فرزانه. (۱۳۷۲) نخستین درس‌های ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قاضی، محمد. (۱۳۹۳) شازده کوچولو. تهران: نشر امیرکبیر.
- قرشی، محمدحسین. و امین‌زاده، سیروان. (۱۳۹۱). «مفهوم خوانایی در ترجمه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان و شیوه‌ی ارزیابی آن». مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال ۳ (پیاپی ۶)، شماره‌ی ۲، صص ۷۵-۹۰.
- گشمردی، محمودرضا. و رضانواز، المیرا. (۱۳۹۲). «نقد بافتاری ترجمه‌های کتاب شازده کوچولو با تکیه بر زبان‌شناسی متن». دوفصلنامه علمی پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال پنجم، شماره ۹، صص ۱۷۳-۱۹۷.
- لطفاتی، رویا. و علی‌پور، نفیسه. (۱۳۹۳). «بررسی ترجمه صوت و واژه‌ها در اثر شازده کوچولو». فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی-پژوهشی، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۳.
- محمدی، محمدهادی. و قایینی، زهره. (۱۳۸۵) تاریخ ادبیات کودکان ایران. ج ۷، تهران: نشر چیستا.

نجومیان، امیر علی. (۱۳۹۲). «نخستین نشست از سری نشست‌های ادبیات جهان با موضوع نقد رمان شازده کوچولو». تهران: فرهنگسرای ارسباران.

کتابنامه لاتین

- Abrams, M. H., & Harpham, G. G. (2009). *A Glossary of Literary Terms (9th ed.)*. Boston: Wadsworth Cengage Learning.
- Anderson, N. (2006). *Elementary Children's Literature*. Boston: Pearson Education.
- Aries, Ph. (1962). *Centuries of Childhood: A Social History of Family Life. Translation (in English)*. Robert Baldick. New York: Alfred A. Knopf
- Cuddon, J. A. (1976). *A dictionary of literary terms*. New York: Penguin Books.
- Exupery, A. (1943). *Le Petit Prince*. France: Gallimard.
- Russell, D.L. (1997). *Literature for Children: A Short Introduction (3rd ed.)*. New York: Longman.

